

راهنمای فوق تخصصی سیر و سلوک در نمایشگاه کتاب

ساحل بهانه است واقعاً یافتن مساوی رسیدن نیست؟



خیر اینطور نیست که ساحل - در اینجا مراد شاعر از ساحل نمایشگاه کتاب است - بهانه باشد و رفتن مساوی رسیدن محسوب شود. اگر مخاطب جدی کتاب باشید یا حداقل دیگر خواننده تفریحی کتاب محسوب نشوید سفر بی برنامه و بدون آمادگی به نمایشگاه کتاب برایتان خیلی گران تمام خواهد شد. ممکن است کتاب‌هایی بی کیفیت و افتضاح را به جای کتاب‌هایی که مدنظر داشتید تهیه کنید و ممکن است گیر ناشران کمی کار بیفتید. شاید در نمایشگاه کم بشوید و حتی این احتمال وجود دارد که به خاطر یک سرویس بهداشتی به سوتوه بیایید. بنابراین سعی من در این مطلب این است که ضروریات نمایشگاه گردی را با شما به اشتراک بگذارم. اگر رفتید و خوش گذشت و از این پنجاهای رفاقتی خوشستان آمد برای من دعا کنید، متشکرم.

گام اول، به نمایشگاه برسید

دست می آورید، یکی اینکه نسبت غرفه‌ها با هم را حدوداً متوجه می شوید و گشت و گذارتان در هر سالن هدفمندتر خواهد شد، دوم هم اینکه در این گردش گذرا با ناشران و کتاب‌هایی که به هر دلیل یادشان نبودید مواجه می شوید و می‌توانید بعداً برای خرید و شکار کتاب به آنها مراجعه کنید. این کار را به ترتیب برای هر سالن اصلی که واردش می شوید انجام دهید، در ابتدا کمی وقت می‌گیرد ولی در نهایت باعث صرفه‌جویی جدی زمان برای شما خواهد شد.

گام چهارم، شکار نشوید

خوب حواستان را جمع کنید، بازار نشر ایران پر است از ناشران کمی کار، درجه هشت و افتتاح و فاجعه که کتابهای مشهور و پرفروش دیگر ناشران را مجدداً کمی و کتابسازی کرده و با بدترین کیفیت ممکن راهی نمایشگاه می‌کنند. خلاصه اگر دیدید یک جایی بردارن کارامازوف را گذاشته و زیرش نوشته ۸۰ درصد تخفیف، با سرعت محل را ترک کنید. بر اساس فهرستی که از قبل تهیه کردید (و در مراحل آماده‌سازی قبل نمایشگاه گفتم نام ناشر را هم کنار عنوان بنویسید) عمل کرده و برای تهیه هر کتاب سراغ ناشری معتبر که از قبل مشخص کردید بروید. نکته بعد اینکه تا وقتی مهمترین کتاب‌های فهرست خودتان را تهیه نکردید سراغ غرفه گردی و پیدا کردن عناوین دیگر نروید، چون ناگهان به خود می‌آید و می‌بینید گرچه کتاب‌های خوبی خریدید، اما کلی از فهرست خودتان نخریده باقی مانده و هیچ پولی هم دیگر در بساط ندارید.

گام چهار و نیم، بررسی کنید

چرا گام چهار و نیم؟ چون این بخش صرفاً یک توصیه است و توضیح خاصی ندارد. هر کتابی را که خریدید خوب بررسی کنید، جلد، کاغذ، چاپ صفحات، درست بودن صحافی و دیگر موارد. ناشران در هر زمانی کتاب‌هایی را که ایراد فنی داشته باشند از شما می‌گیرند و یک جلد کتاب سالم تحویل‌تان می‌دهند اما هوشمندانه نیست که بررسی کتاب‌ها را موقوف کنید به منزل یا آینده. همانجا خوب و با دقت خرید کنید تا مجبور نشوید بعداً کلی زمان و هزینه بگذارید و از این سر شهر بروید آن سر شهر برای تعویض یک جلد کتاب.

این کار بدیهی و خیلی ساده گاهی یکی از سخت‌ترین مراحل نمایشگاه گردی می‌شود. به نظر من یا از مترو استفاده کنید یا وسایل نقلیه سبک (آژانس و تاکسی اینترنتی و تاکسی و وسیله شخصی‌اش دیگر با خودتان). رسیدن به مصلا تهران با اتوبوس امری است بسیار طاقت‌فرسا، بی‌خیال این یک مورد نشوید. ضمناً اگر با مترو آمدید گول نخورید و در ایستگاه مصلا از مترو پیاده نشوید. موقعیت ایستگاه شهید بهشتی برای رسیدن به سالن‌های نمایشگاه بسیار مناسب‌تر است.

گام دوم، زمانبندی و پیش‌بینی کنید

بر اساس لیست کتاب‌هایی که قبلاً تهیه کردید حساب و کتاب کنید که حدوداً چند ساعت در نمایشگاه کتاب کار دارید، سپس آن را ضرب در دو کرده و مبنای حضورتان در نمایشگاه را بر همان اساس بچینید. با استفاده از یک نقشه نمایشگاه مسیر کلی عبور و مرور بین سالن‌های بخش‌های مختلف نمایشگاه را مشخص کنید. نشود برای خرید یک عنوان کتاب سالن عمومی را به سمت سالن ناشران تخصصی ترک کنید و بعد برای خریدن یک کتاب دیگر دوباره به سالن قبلی برگردید. حدود مسیر را برای خودتان مشخص کنید تا کار برایتان مقدار زیادی آسان‌تر شود. ضمناً اگر دنبال کتاب‌های خاصی از هر ناشر هستید در مجموع مطمئن شوید که آن کتاب در غرفه ناشر موجود باشد. عدم موجودی کتاب مخصوصاً برای کتاب‌های چاپ اولی زیاد پیش می‌آید. اگر از تمام این موارد مطمئن شدید به نفع شماست که صبح به نمایشگاه بیایید، یک ساعتی دیرتر از ساعت رسمی شروع نمایشگاه در هر روز بهترین زمان برای ورود به سالن‌هاست. چرا یک ساعت دیرتر؟ برای اینکه تقریباً همیشه طول می‌کشد تا غرفه‌های همه ناشران درست و حسابی فعال شود.

گام سوم، نقشه ذهنی بسازید

حالا شما وارد سالن شده‌اید و قصد دارید که بروید سراغ غرفه‌ها. توصیه اصلی من این است که اول یک بار گذرا اما با دقت در راهروها بگردید، با این کار دو مزیت قابل توجه به

حضور در نمایشگاه آدابی دارد و گرنه فرقی با یک پاساژگردی معمولی و بی‌اهمیت نخواهد داشت. حالا این رسم و رسوم و آداب که پاساژگردی را تبدیل به نمایشگاه‌گردی و فرد را در جرگه کتاب‌خواران کاربلد قرار می‌دهد چیست؟ چه چیزی تجربه شما را متحول خواهد کرد...

صندلی یا حتی راه‌پله‌های خلوت بنشینید، گلوبی تازه کنید و کمی خستگی در کنید. بعد با خیال راحت و انرژی بیشتر به ادامه کار اصلی خودتان برسید.

گام پنجم، باسکول هم نشوید

اگر خریدتان کم و موردی است که این مرحله را رد کنید، اما اگر آمدید که به قولی کف نمایشگاه را جارو کنید باید به اطلاع جناب‌تان برسانم که آرتروز سلام رساند و گفت هیچ هم متأسف نیست! اینجا دیگر بحث همراه داشتن کیسه مناسب و چند نفری خرید کردن نیست. حرف اینجا در مورد به دوش کشیدن بار سنگین چند ده کیلو کتاب است. برای خریدهای طولانی مدت و حجیم بهتر است که کل خریدتان را به دو یا سه بخش تقسیم کنید، هر بخش که تمام شد در اطراف سالن‌های اصلی پایگاه‌هایی برپا شده که وسایل شما را به امانت می‌گیرند. کتاب‌های خود را به متصدی این پایگاه‌ها تحویل بدهید و باز برای ادامه خرید به سالن‌ها بروید. خیلی کیلوژول در نیروی شما صرفه‌جویی خواهد شد. اگر حمل کتاب‌ها به منزل برایتان سخت است شرکت پست همیشه یکی دو تا واحد پستی در نمایشگاه کتاب برقرار می‌کند که با قیمتی قابل قبول کتاب‌های شما را به هر مقصدی که بخواهید پست می‌کند.

گام ششم، استراحت کنید

شاید به خودتان بگویید این چه حرف بدیهی و در عین حال مهملی است که این وسط می‌زنی، در حالی که این موضوع نه مهملی است نه بدیهی. تا دل‌تان بخواهد نمایشگاه‌گرد با چشمان خود دیده‌ام که بدون استراحت به صورت رگباری در حال خرید و جست‌وجو بوده‌اند. این کار تجربه نمایشگاه گردی را برای شما طاقت‌فرسا و حتی غیر لذت‌بخش خواهد کرد. یادتان نرود که شما به نمایشگاه آمده‌اید تا یک کار فرهنگی و لذت‌بخش را تجربه کنید. گاهی از سالن‌ها خارج شوید و روی چمن یا

صندلی یا حتی راه‌پله‌های خلوت بنشینید، گلوبی تازه کنید و کمی خستگی در کنید. بعد با خیال راحت و انرژی بیشتر به ادامه کار اصلی خودتان برسید.

گام هفتم، کشف کنید

نمایشگاه فقط دارای دو دسته کلی نیست، این دو دسته کلی هم یکی ناشران معتبر و شناخته شده هستند، دسته دوم هم همان ناشرانهای معروفند که در گام چهارم به تفصیل حرفشان را زدم. دسته سوم ناشران نوپا و کمتر شناخته شده اما محترم و معتبر هستند. اصلاً غرفه‌های این دست از ناشران آنچنان تفاوتی با ناشرانها دارد که حتی از دور هم قابل شناسایی هستند. مثلاً خود من سال گذشته «نشر نود» را میان همین تلاش برای اکتشاف پیدا کردم و اتفاقاً از یافتن چنین نشری هم خیلی خوشحالم. شما هم اگر کمی وقت بگذارید و خوب به غرفه‌ها دقت کنید حتماً از این گام کامیاب و پیروز بیرون خواهید آمد.

گام هشتم، حواس جمع باشید و اگر یک روز نشد دو روز!

واقعاً اگر خریدتان خیلی زیاد است، یا اگر دیگر بیش از حد وسواسی هستید، یا اگر به هر دلیل دیگری کارتان در یک روز تمام نمی‌شود از قبل برای یک روز دوم احتمالی برنامه داشته باشید. اگر از شهرستان به تهران می‌آید این مورد را فارغ از میزان کارتان در نمایشگاه حتماً لحاظ کنید، سال گذشته نمایشگاه یک روز تمام به دلیل شدت آلودگی هوا تعطیل بود و فکرش را بکنید کیلومترها بکوبید و به تهران بیایید نتوانید از نمایشگاه دیدن کنید. بنابراین برنامه برای روز دوم را حتماً گوشه ذهن داشته باشید.

گام نهم، فاکتور بگیرید، پول علفی نیست که خرس مصرف کند

بعد از هر خرید فاکتور بگیرید و حساب و کتاب مخارجتان را داشته باشید. این را بگذارید در کنار بر اساس اولویت‌بندی خرید کردن تا یک خرید موفق را تجربه کنید. یادتان باشد شما پادشاه برونی نیستید و چون پادشاه برونی نیستید به منابع نامحدود طلا، نقره، الماس و دیگر جواهرات ارزشمند هم دسترسی ندارید. نتیجه اینکه تا چشم به هم بزیند پولتان ته می‌کشد و شما می‌مانید و یک حوض که خالی از آب است. خلاصه که خوب مراقب باشید، حادثه - در اینجا مراد نویسنده از حادثه خرید غیرضروری و هیجان‌زده است - خیر نمی‌کند.

گام دهم، به خانه برمی‌گردیم

خسته نباشید، امیدوارم که یک روز در نمایشگاه به شما خوش گذشته باشد، خوشبختانه طی سالیان اخیر شلوغی ایستگاه‌های مترو در زمان اوج شلوغی نمایشگاه بسیار بهتر شده و شما احتمالاً به وسیله همان مترو می‌توانید به خانه بروید. البته اگر خریدهای زیادی دارید ممکن است لازم شود با وسیله دیگری نمایشگاه را ترک کنید. یادتان باشد حتماً وقتی به منزل رسیدید یک بار تمام حساب و کتاب‌ها را مجدد انجام دهید و کتاب‌هایتان را با فاکتورهایتان مقایسه کنید که اگر کتابی را جا گذاشته‌اید یا پولی کم و زیاد شده بزودی برای حل مشکل پیش آمده اقدام کنید.

موفق باشید.

